

# حل مشکلات الاشارات، دست‌نوشته طوسی؟

نشر عکسی نسخه ۱۱۵۳ کتابخانه ملی ایران<sup>۱</sup>

یوئپ لمیر\*

ترجمه منوچهر پزشکی

برانگیخته است:

۱. آدم گاسک در مقاله خود، «دست‌نوشته اسلر از شرح نصیرالدین طوسی بر الاشارات و التنبیهات ابن سینا»<sup>۴</sup> آگاهی‌های مهم تاریخی و نسخه‌شناختی (codicological) از نسخه خطی این کتاب، محفوظ در کتابخانه دانشگاه مک‌گیل مونترآل کانادا، ارائه می‌دهد.

۲. من در مقاله خودم «بخش منطق حل مشکلات الاشارات و التنبیهات طوسی؛ رسم کهن آموزش و تصحیح این متن»<sup>۵</sup> اهمیت واژه‌ها و عبارات نگاشته بر حاشیه بخش منطق دو نسخه لیدن، OR 95 و OR 652، از این اثر طوسی را مورد بحث قرار داده‌ام.

۳. در جریان برگزاری همایش طوسی در تهران در فوریه ۲۰۱۱ (اسفندماه ۱۳۸۹)، مرکز نشر میراث مکتوب به چاپ و انتشار نسخه عکسی یادشده از حل مشکلات الاشارات طوسی به کوشش سید محمد عمادی حائری اقدام کرد.

چاپ عکسی عمادی حائری دربردارنده (الف) مقدمه‌ای کلی؛ (ب) بحثی درباره نسخه و نویسنده آن؛ و (ج) چگونگی ویرایش آن است. در ادامه به یکایک این موضوعات خواهیم پرداخت.

## الف. مقدمه کلی

عمادی حائری در آغاز مقدمه نسبتاً مفصل خود، کتاب الاشارات و التنبیهات ابن سینا را واپسین اثر مهم او

خواجه نصیرالدین طوسی (د. ۶۷۲ ه. ق) از آن گروه از دانشمندان بسیاردان برجسته ایرانی است که پس از خود بر جنبه‌های گوناگون آموزش در ایران سده‌های میانی تأثیر نهاده‌اند. نوشته‌های طوسی، چونان یک متکلم، منجم، ریاضیدان، منطقی، دولتمرد و فیلسوف، و چنانکه ادعا شده حامی آرمان اسماعیلیان، اثری ماندگار بر یکایک این رشته‌ها داشته است. موضوع بررسی مقاله حاضر، چاپ عکسی نسخه خطی نادر و گرانبهایی از حل مشکلات الاشارات طوسی، یعنی شرح او بر اثر فلسفی فشرده ابن سینا (د. ۴۲۷ ه. ق)، کتاب الاشارات و التنبیهات، است که به تازگی از سوی موسسه پژوهشی نشر میراث مکتوب در تهران منتشر شده است. از جمله انگیزه‌های طوسی برای نگارش این کتاب، چنانکه او خود در پیشگفتار آورده، یکی این است که پیشایند او، فخرالدین رازی (د. ۶۰۶ ه. ق)، در شرح خود بر کتاب اشارات بسا به جرح آن پرداخته<sup>۲</sup>، و دیگر اینکه بسیاری از دیدگاه‌های ابن سینا را بد نمایانده است. طوسی در حل مشکلات الاشارات بر آن است که اندیشه ابن سینا را به روشنی بیان کند و به اشکالات پرشمار رازی — که به نظر او اغلب وارد نبوده‌اند — پاسخ دهد. کتاب حل مشکلات الاشارات در حدود صد و اند سال گذشته چندین بار تصحیح و چاپ شده است که آخرین آن برمی‌گردد به سال ۲۰۰۴ م.<sup>۳</sup> و اما در چند ماه گذشته نسخه خطی مالوف حل مشکلات الاشارات توجه شماری از پژوهشگران را

\* Joep Lameer

۱. نقد و بررسی حل مشکلات کتاب الاشارات و التنبیهات خواجه نصیرالدین... طوسی، به کوشش و با مقدمه سید محمد عمادی حائری، ش ۲۱۰ نشر میراث مکتوب (ش. ۸ مجموعه نسخه‌برگردان‌ها) تهران، ۱۳۸۹. در نگارش این مقاله خود را عمیقاً رهین لطف دو نفر می‌دانم که نسخه اولیه این مقاله را پیش از چاپ خواندند و نظرها و پیشنهادهای سودمند خود را از من دریغ نکردند: محمدجواد اسماعیلی از تهران، و سسیل بن‌ماریاژ از لوون لوو.  
۲. برای تازه‌ترین تصحیح و چاپ شرح رازی، نک: الف. نجف‌زاده، شرح الاشارات و التنبیهات، تهران: ۱۳۸۴ ش.  
۳. برای یک بررسی فشرده، نک:  
A. Gacek, «The Osler Codex of Nasir al-Din al-Tusi's Commentary on Avicenna's al-Ishārāt wa-l-tanbihāt», in: *Journal of Islamic Manuscripts*, vol. 1/2010 (3-17), 3, note 1.  
گاسک از ۸ چاپ سنگی و ۴ چاپ سری (حروفچینی شده) یاد می‌کند که جدیدترین آن ویراسته ح. حسن‌زاده آملی است: شرح الاشارات و التنبیهات، قم: ۸۴-۱۳۸۳ ش.  
۴. نک: یادداشت پیشین.

5. "The Logic of Tusi's *Hall Mushkilāt al-Ishārāt wa-l-tanbihāt*. The Early Teaching Tradition and the Edition of the Text",

این مقاله در همایش اخیر طوسی که از سوی مرکز نشر میراث مکتوب، ۲۴-۲۳ فوریه ۲۰۱۱، در تهران برگزار گردید، خوانده شد و در مجموعه مقاله‌های این همایش چاپ و منتشر خواهد شد.



سنت سینایی سازگاری ندارد،<sup>۶</sup> می‌پردازد. شایان توجه است که اشارهٔ رایزمن به «شواهد درون‌متنی و برون‌متنی» به همین اجمال باقی می‌ماند، در حالی که توضیح و تفصیلی در این باب، بی‌هیچ اغراقی، کاملاً بجا می‌بود.<sup>۷</sup> نیز، اینکه رایزمن از فرضیهٔ میکات مبنی بر همدوره‌بودن نامهٔ ابن‌سینا به وزیر و مباحثهٔ سوم، به «پیش‌فرضی نادرست»<sup>۸</sup> تعبیر می‌کند، آنگونه که به نظر می‌رسد، پذیرفتنی نیست؛ چرا که صرف اینکه صحت فرضیه‌ای اثبات نشده باشد دلیل بر بطلان آن نیست.<sup>۹</sup> از این رو، به نظر می‌آید که بحث و جدل بر سر تاریخ تألیف اشارات و پختگی و کمال‌یافتگی اندیشه‌هایش برای مدت‌ها همچنان داغ خواهد ماند. در جایی دیگر، اشارهٔ عمادی حائری به جلوه‌های «حکمت مشرقی» ابن‌سینا در سه نمط «عرفانی» پایان اشارات، با اینکه او تلویحاً نشان می‌دهد که از گفت‌وگو بر سر ماهیت دقیق صفت «مشرقی» در عبارت «حکمت مشرقی» آگاه است،<sup>۱۰</sup> ظاهراً حاکی از آن است که او خود، بحث را به سود تفسیر عرفانی از این اصطلاح پایان یافته تلقی می‌کند. اما به نظر من عمادی حائری با آگاهی از ناهمگونی دیدگاه‌ها می‌بایست چرایی ترجیح تفسیر عرفانی از صفت «مشرقی» را روشن می‌ساخت.<sup>۱۱</sup> در عوض، عمادی حائری با این اظهار نظر بسیار سیاستمدارانه، از هر گونه بحث بیشتر در این موضوع شانه خالی می‌کند که: گرچه به صرف تأکید بر خوانشی عرفانی از فلسفهٔ ابن‌سینا نمی‌توان منکر گرایش‌های مشائی او گردید، این حقیقت را نیز نادیده نمی‌توان گرفت که از دید ابن‌سینا، غایت (تأکید از من است) آن حکمت استدلالی در این حکمت معنوی است.<sup>۱۲</sup>

دانسته که در بردارندهٔ نظام فلسفی او در پخته‌ترین شکل آن است.<sup>۱</sup> ملاحظهٔ اینکه آراء فیلسوفی در واپسین اثر او تکمیل و در قالب یک «نظام» پیاده شده باشد، هر چند جاذب است و اغواکننده، اما برداشتی از این دست، به‌ویژه در مواردی که آگاهی‌های موثق از ترتیب زمانی پدیدآمدن آثار و آراء شخص در دست نیست، اغلب گمراه‌کننده است. با این همه، بی‌راه نیست اگر بگوییم عمادی حائری کاری بیش از بیان دیدگاه بیشترینهٔ شاگردان ابن‌سینا انجام نداده است که آنها نیز همان چیزی را می‌گویند که در «زندگینامهٔ مبسوط» وی، از مؤلفی ناشناخته، دربارهٔ تاریخ تألیف و قدر و منزلت اشارات آمده است: «اشارات و تنبیهات، آخرین و بهترین اثری است که او در فلسفه نوشت و به آن وفادار ماند.»<sup>۲</sup> گرچه در این باب شایان ذکر است که تقریباً پانزده سال پیش میکات در مقاله‌ای زمینه‌ساز این تاریخگذاری را زیر سؤال برد.<sup>۳</sup>

میکات با توسل به مستندات نه‌چندان محکم، تاریخی بسیار پیشین‌تر را برای نگارش اشارات پیش می‌نهد: زمانی بین ۴۰۵ و ۴۱۲ هـ. ق، که همزمان است با اقامت ابن‌سینا در همدان.<sup>۴</sup> تجدید نظر میکات در تاریخگذاری اشارات به طور کاملاً طبیعی معلول ناهماهنگی بین شاگردانی است که همزمان نزد ابن‌سینا تلمذ کرده‌اند.<sup>۵</sup> در این مورد خوانندگان را تنها به مقالهٔ رایزمن، «معیاری تازه برای مطالعات دربارهٔ ابن‌سینا» ارجاع می‌دهم که در آن به انتقاد از تاریخگذاری میکات برای اشارات و سایر «تاریخگذاری‌های دیگر برای بسیاری از آثار ابن‌سینا که با شواهد درون‌متنی و برون‌متنی

۱. عمادی حائری، منبع پیشین، صص ۹-۱۱.  
۲. گفتاورد از:

W.E. Gohlman, *The Life of Ibn Sīnā* (Albany, 1974), 97.

3. Y. Michot, "La réponse d'Acicenna à Bahmanyār et al-Kirmānī" [Présentation, traduction critique et lexique arabe- français de la *Mubāhatha* III], in: *Le Muséon* 110/1997, 152-221.

۴. همان، ۱۵۳-۱۶۴. آنچه موجب شد میکات سپس‌تر دیدگاه خود را دربارهٔ زمان و مکان آشنائی ابن‌سینا با کرمانی تغییر دهد، تأثیر مهمی در موضع او دربارهٔ تاریخ احتمالی تألیف اشارات ندارد. نک: همو:

Ibn Sina. *Letter au vizir Abū Sa'd. Éditio princeps* d'après le manuscrit de Bursa, traduction de l'arabe, introduction, notes et lexique (Beirut, 1421/2000), 31\*-32\*.

۵. در این باره، توجه به این موضوع جالب است که استفتان پانوسی یکی از معدود محققانی است که این گزارش بی‌بیتی (د. ۵۶۵ هـ. ق) را ارجح می‌نهد که بهمنیار کتاب الحاصل و المحصول و ابن‌زبیل کتاب اشارات را زمانی پیش از ۴۱۲ هـ. ق. در همدان در جلسات درس شبانه نزد ابن‌سینا می‌خواندند. نک:

Michot, "La réponse....", 159, 161 (with note 74).

6. D. Reisman, "A New Standard for Avicenna Studies", in: *JOAS* 122/2002 (562-577), 564-565.

۷. مگر اینکه برداشت گوتاس دربارهٔ ترتیب زمانی پدیدآمدن آثار ابن‌سینا را معتبر بدانیم. نک:

D. Gutas, *Avicenna and the Aristotelian Tradition* (Leiden, 1988), 79 ff, esp. 140-141.

8. Reisman, op.cit., 656.

۹. من از کلمهٔ «نادرست» در تعبیر رایزمن (پیش‌فرض نادرست) معنای دیگری درمی‌یابم.

۱۰. عمادی حائری، پیشین، ۱۰ (البته بدون ارجاع به هیچ‌یک از طرف‌های این بحث و جدل). برای بحثی ریشه‌ای در این موضوع، نک:

D. Gutas, "Avicenna's Eastern ("Oriental") Philosophy: Nature, Contents, Transmission", in: *Arabic Sciences and Philosophy*, vol. 10/2002, 159-180.

۱۱. میکات در مقالهٔ خود ("La réponse....", 163-164), روی آوردن ابن‌سینا به شیوهٔ نگارش رمزی را به‌سادگی ناشی از میل او به محفوظ‌نگاه‌داشتن اثر از حمله‌های نااهلان بی‌بهره از فطانت ("intellektual" "nomenklatur") (بخوانید: ابوالقاسم کرمانی، خادم پیشین حکیم عامری [د. ۳۸۱ هـ. ق]) می‌داند که در برابر آوازهٔ بلند ابن‌سینا قد راست کردند اما فروشکستند.

۱۲. عمادی حائری، پیشین، ۱۱.



د. ۶۳۱ ه. ق) پاسخی انتقادی بر شرح رازی نوشته بود: التمییهات فی شرح التنبیهات.<sup>۹</sup> چنانکه از دو مقاله نسبتاً تازه درباره میراث ابن سینا در جهان اسلامی برمی آید،<sup>۱۰</sup> بی تردید، طوسی کار خود را در خلأ پدید نیآورده است. مسیره‌های گوناگونی که برای انتقال اشارات از ابن سینا به طوسی گزارش شده‌اند<sup>۱۱</sup> نیز به روشنی نشان می‌دهد که این اثر همواره از توجه مستمر نسل‌های متوالی دانشمندان برخوردار بوده است. و حتی اگر عمادی حائری محق باشد که بگوید برخی از افراد این سلسله‌های انتقال به علت مخالفت با برخی جنبه‌های اندیشه ابن سینا شهرت دارند،<sup>۱۲</sup> به نظر من از این فرض چنین نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود که این سلسله‌ها صرفاً انتقال‌دهنده «متن» اشارات، و نه «نظام فلسفی» آن، هستند.<sup>۱۳</sup>

## ب. نسخه و نویسنده آن

این بخش از مقدمه می‌توانست زمینه مناسبی برای چاپ این دست‌نوشته به صورت عکسی فراهم آورد. نسخه خطی مورد بحث، با شماره ۱۱۵۳ به کتابخانه ملی ایران تعلق دارد. این نسخه تقریباً شصت و پنج سال پیش، از صاحب پیشین آن (فخرالدین؟) نصیری (امینی؟) خریداری شده است.<sup>۱۴</sup> یازده صفحه اصلی از آخر نسخه (-۱۱۶ ۱۲۶) برجای نیست و به

و اما در باب سنت شرح‌نویسی بر اشارات ابن سینا، به نظر من عمادی حائری کاملاً به‌درستی تأکید می‌کند که اغلب شرح‌هایی که پیش از زمان طوسی نوشته شده‌اند، عمدتاً به تأثیر از متفکران اشعری‌ای چون غزالی (د. ۵۰۵ ه. ق، مثلاً در تهافت‌الفلاسفه<sup>۱۵</sup>) و شهرستانی (د. ۵۴۸ ه. ق، مثلاً در مصارعة‌الفلاسفه<sup>۱۶</sup>)، در راه ویران‌سازی اندیشه‌های بنیادین فلسفه ابن سینا جهت می‌یافتند: (۱) کتاب گمشده الامارات فی شرح الاشارات علی بن زید بیهقی (د. ۵۶۵ ه. ق)؛ (۲) کتاب المباحث و الشکوک<sup>۱۷</sup> شرفالدین مسعودی (زنده در ۵۸۲ ه. ق)؛ و (۳) شرح الاشارات فخرالدین رازی که در بالا از آن یاد شد. و همان‌طور که عمادی حائری می‌نویسد، طوسی آثاری چون مصارع‌المصارع<sup>۱۸</sup>، تلخیص‌المحصل<sup>۱۹</sup>، و حل مشکلات الاشارات را در پاسخ به حمله‌ها و بدفهمی‌های شهرستانی و رازی نوشته است.<sup>۲۰</sup>

حتی اگر آنچه در بالا گفته شد درست هم باشد، به نظر من این یکسره درست نیست که بگوییم طوسی کسی است که فلسفه ابن سینا را «احیاء» کرد<sup>۲۱</sup> و شرح او بر اشارات را «نقطه عطفی» در تاریخ فلسفه اسلامی بدانیم.<sup>۲۲</sup> سرنوشت فلسفه ابن سینا تنها با شرح طوسی بر اشارات رقم نخورده است. نباید فراموش کرد که پیش از آن، سیف‌الدین آمدی

1. M. Bouyges, (ed.), *Tahafat al-Falasifat*. Algazel. Beirut, 1927.

2. W. Madelung & T. Ayer (ed.), *Struggling with the Philosopher: A Refutation of Avicenna's Metaphysics = Kitab al-Musara'a*.

۳. تصحیح جدیدی از متن کتاب‌المصارع، اثر محمدبن عبدالکریم... شهرستانی، به همراه ترجمه انگلیسی آن، لندن، ۲۰۰۱ م. چاپ عکسی به کوشش و با مقدمه م. برکت: کتاب المباحث و الشکوک شرفالدین... مسعودی همراه با کتاب عیون‌المسائل فارابی و رساله الاسماء‌المفرده کندی، ش. ۲۱۱ نشر میراث مکتوب (ش. ۹ چاپ‌های عکسی)، تهران، ۱۳۸۹ ش. ظاهراً فخرالدین رازی پاسخ‌گونه‌ای بر این رساله نوشته بوده که طوسی در هنگام نگارش حل مشکلات اشارات به آن دسترسی داشته است (عمادی حائری، همانجا، ۱۲، و یادداشت ۳).

۴. و. مدلانگ (مصحح)، مصارع‌المصارع، اثر نصیرالدین طوسی، در مجموعه حکمت ایران، مجلد ۵۴، تهران، ۲۰۰۴ م/۱۳۸۳ ش.

۵. ع. نورانی (مصحح)، تلخیص‌المحصل، معروف به نقدالمحصل، به انضمام رسائل و فوائد کلامی از خواجه نصیرالدین طوسی، در مجموعه حکمت ایران، مجلد ۲۴، تهران، ۱۹۸۰ م/۱۳۵۷ ش.

۶. عمادی حائری، پیشین، ۱۱-۱۳. همانجا.

۸. همان، ۱۹-۲۱. البته شرح خواجه، همان‌طور که عمادی حائری به‌درستی اظهار داشته، بی‌تردید دستمایه‌ای شد برای موضع‌گیری گروهی از دانشمندان در زمان‌های پسین‌تر؛ کسانی چون علامه حلی (د. ۷۲۶ ه. ق)، قطب‌الدین رازی (د. ۷۶۶ ه. ق)، و جلال‌الدین دوانی (۹۰۸ ه. ق).  
۹. نک:

G. Endress, "Reading Avicenna in the Madrasa: Intellectual Genealogies and Chains of Transmission of Philosophy and the Science in the Islamic East", in: J.E. Montgomery (ed.), *Arabic Theology, Arabic Philosophy: From the Many to the One*. Essays in Celebration of Richard M. Frank (Leuven, 2006 [371-42]), 408-410.

۱۰. نک: Endress, op. cit., 410 ff, ۴۲۰ آمده است؛ نیز نک:

D. Gutas, "Heritage of Avicenna: The Golden Age of Arabic Philosophy, 1000- ca 1350", in: J. Janssens, and D. de Semt (ed.), *Avicenna and his Heritage*. Acts of the International Colloquium, Leuven- Louvain- la- Neuve, September 8 - September 11, 1999 (Leuven, 2002) 81- 98,

با تأکیدی ویژه بر جدولی مشابه در صص ۹۶-۹۷.

۱۱. عمادی حائری در مقدمه صص ۱۶ از آنها یاد کرده است.

۱۲. مقصود فخرالدین رازی، شرفالدین مسعودی و افضل‌الدین غیلانی (از معاصران شرفالدین مسعودی) هستند.

۱۳. عمادی حائری، مقدمه، ۱۷. اما در پایان این صفحه اظهار نظر عمادی حائری در اینکه طوسی دارای ذهن مستقلی بوده و از این رو آماده مخالفت با دیدگاه‌های دیگران، اعتبار بیان پیشین او را کاهش می‌دهد.

۱۴. همو، همان، ۲۲. پیداست که جمله آمده در صفحه ۲۲ مقدمه فارسی: «او در سال ۱۳۲۵ شمسی از وی برای کتابخانه ملی خریداری شده...» این گفته را که در صفحه ۸ مقدمه (بسیار کوتاه‌تر) انگلیسی آمده که: «این نسخه خطی از وین خریداری شده»، مخدوش می‌سازد. وصف نمونه‌هایی از نسخه‌های خطی کیمیا مجموعه فخرالدین نصیری امینی در «نقاس المخطوطات العربية فی ایران»، نوشته حسین‌علی محفوظ در نشریه زیر آمده است:

Revue de L'Institut des Manuscrits Arabes (vol. 3/1957 [3- 78]), 37- 55.



نظر عمادی حائری) همچنان می‌توان بر این پندار بود که ۱۶ برگ پایانی اصلی نسخه (با همه آگاهی‌هایی که علی القاعده در ترقیمة آن مندرج بوده است) هنگامی که نسخه به تملک سید حیدر آملی درآمده، موجود بوده است.<sup>۴</sup>

به نظر من عنصر ضعیف استدلال بالا این نیست که عمادی حائری حیدر بن علی بن حیدر العلوی الحسینی آملی را با می‌ر سید حیدر آملی یکی می‌انگارد. صحت این فرض ممکن است — هر چند نه صد در صد<sup>۵</sup> آنچه به زعم من جای پرسش است این است که عمادی حائری مسلم می‌گیرد که آملی از نوشته ترقیمة اصلی به این نتیجه رسیده که نسخه به خط طوسی است. ما از اینکه این نسخه کی و کجا و چگونه به تملک او درآمده است، هیچ آگاهی نداریم. چه چیزی او را برانگیخته که در یادداشت تملک خود بگوید که نسخه به خط طوسی است؟ از اینها گذشته، آیا اگر ترقیمة اصلی چنین اطلاعی را در برمی‌داشته، دیگر چه نیازی بود که کسی از جانب نسخه سخن بگوید؟! آگاهی‌های مندرج در فهرست کتابخانه ملی ایران هم کمکی نمی‌کند، چراکه آن هم صرفاً بر اساس یادداشت‌های تملک نگاشته بر برگ نخست دست‌نویس تنظیم شده است.<sup>۶</sup> من دلیلی برای معتبر شناختن مطالب یادداشت‌های تملک نمی‌بینم و تنها در صورتی این بخش از سخنان عمادی حائری را خواهم پذیرفت که دیگر شواهد حاکی از آن باشند که دست‌نویس به خط مؤلف است. حال بینیم که این شواهد دیگر چیستند.

## ب. ۲. دستخط نویسنده

عمادی حائری برای آنکه قوت بیشتری به مدعای خود ببخشد، نمونه‌هایی از دستخط طوسی را نیز درج کرده است.<sup>۷</sup> اما سپس

خطی متفاوت در زمانی دیرتر جایگزین شده است.<sup>۱</sup> در ترقیمة نسخه، صفحه جایگزین شده ۱۲۶، هیچ نامی از هیچ کاتبی و تاریخی دیده نمی‌شود. با نبودن چنین آگاهی‌های ضروری، مهم است بدانیم که مقدمه‌نویس این نسخه بر گردان بر چه اساسی این نسخه را به خط خود خواجه نصیرالدین طوسی می‌داند. اگر من استدلال‌های عمادی حائری را درست فهمیده باشم، لازم می‌آید که سه نکته زیر ملاحظه شوند:

### ب. ۱. استناد قطعی به طوسی

ا. یک یادداشتی به تاریخ ۷۷۶ ه.ق. که بیان می‌دارد این نسخه به خط خود طوسی است. در زیر این یادداشت امضای شخصی به نام محمد بن القاضی الامام ظهیرالدین الدبوسی به چشم می‌خورد.

ب. مضمون یادداشت دیگر نیز همین است جز آنکه تاریخ ندارد و شخصی به نام حیدر بن علی بن حیدر العلوی الحسینی آملی آن را امضاء کرده است.

ج. یادداشت سوم به تاریخ ۸۸۱ ه.ق هم همین مضمون را دارد که نوشته شخصی به نام محمد بن رضی‌الدین محمد الحافظ الرضوی است.

عمادی حائری توجه خود را بر روی یادداشت دوم متمرکز می‌کند و اظهار می‌دارد که میر سید حیدر آملی (د. پس از ۷۸۷ ه.ق.) مشهورتر از آن است که نیازمند شناسانیدن باشد؛ هر چه باشد او شاگرد فخرالمحققین حلی (د. ۷۷۱ ه.ق.)، پسر جمال‌الدین بن مطهر [علامه] حلی، د. ۷۲۶ ه.ق.) بوده و بنابراین با طوسی قرابتی (هم به لحاظ زمان و هم در سلسله انتقال) داشته است؛ پس به براهین قاطع می‌توان رأی او درباره نویسنده نسخه را معتبر دانست.<sup>۲</sup> البته (به تبعیت از

۱. دو صفحه اصلی دیگر از نسخه نیز مفقود است که جایگزین نشده‌اند. نک: عمادی حائری، مقدمه، ۲۲، و صفحه‌های ۴۰ ب تا ۴۱ ا و ۱۰۲ ب تا ۱۰۳ ا چاپ عکسی.

۲. سه یادداشت مربوط به صاحب نسخه یادشده در زیر از عمادی حائری نقل قول می‌شود: مقدمه، ۲۳.

۳. اما نباید فراموش کرد که رابطه بین فخرالمحققین حلی و حیدر آملی تنها در زمینه علوم سنتی اسلامی (حدیث و خبر) تصدیق شده است و نه در قلمرو فلسفه. ارجاع عمادی حائری (پیشین، ۲۴، یادداشت ش. ۲) به خاتمه مستدرک الوسائل شیخ نوری طبرسی، و همچنین، تصویر ترقیمة نسخه‌ای از استقصاءالنظر علامه حلی (همو، همان، ۲۹، تصویر ۵)، همین را تأیید می‌کند. نیز قس: سید محمد امین، اعیان الشیعه، ج ۲۹ (بیروت، ۱۴۰۱/ق ۱۹۸۱، م، چاپ دوم)، ۱۶.

۴. عمادی حائری، پیشین، ۲۳-۲۴.

۵. چنانکه امین (همانجا، ۱۴-۱۵) نوشته بیش از یک حیدر بن علی بن حیدر العلوی الحسینی آملی، وجود داشته است. در آنجا همچنین گفته شده و توضیح داده شده است که انتساب کتکول به سید حیدر آملی بر خطایی استوار است؛ هر چند عمادی حائری (پیشین، ۲۴، یادداشت ۲) کتکول را بدون ارجاع به سخن امین نوشته سید حیدر آملی قلمداد می‌کند. همچنین از نسخه خطی الفصول الایلاقیة محمد بن یوسف الایلاقی (زنده در ۴۶۰ ه.ق.) وصف شده در:

A. Z. Iskandar, *A descriptive list of arabic manuscripts on medicine and scienc at the University of California, Los Angeles* (Leiden, 1984), 14 and 42,

و اینکه یادداشت تملکی به نام حیدر بن علی بن حیدر العلوی الحسینی آملی دارد، نمی‌توان نتیجه گرفت — آنگونه که اسکندر نتیجه می‌گیرد — که این نسخه خطی ربطی به سید حیدر آملی داشته باشد.

۶. نک: سید عبدالله انوار، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، ج ۹ (تهران، ۱۳۵۷ ش)، ۱۳۴.

۷. عمادی حائری، پیشین، ۲۴-۲۵، ۲۷.



به اصلاحات مؤلف شباهت دارند. متأسفانه حتی یک نمونه هم داده نمی‌شود.

ج. «تصحیحات» و «اضافات»ی که در زمانی پسین‌تر به دست طوسی انجام گرفته‌اند و عمادی حائری به خط خوردگی‌هایی در متن، به طور مشخص در صفحه‌های زیر، ارجاع می‌دهد:

۱. برگ ۴۰ ب، سطرهای ۹-۱۱. ۴ به نظر من قلم‌خوردگی متن، برخلاف گمان عادی حائری، به منظور افزودن چیزی بر محتوای متن یا اصلاح آن نبوده، بلکه به سادگی نتیجه بی‌مبالاتی کاتب نسخه بوده است. برای احراز درستی این سخن، صفحه ۴۰ ب، سطرهای ۸-۱۲ را با صفحه ۵۲۸، سطرهای ۱۴-۲۱ جلد ۱ اشارات، به تصحیح سلیمان دنیا مقایسه کنید.<sup>۵</sup> این را هم بیفزاییم که متن مصحح دنیا نیز حرف آخر را در این مورد نمی‌زند.

۲. برگ ۴۴ ا، سطرهای ۳-۴. ۶ در این مورد، مسأله مورد بحث در اشارات (که از سطر ۲ شروع می‌شود)، شرح بسیار جلوتر می‌آید، دلیلش هم سطرهای مورد بحث هستند که در زمانی سپس‌تر خط خورده‌اند. در حقیقت اگر به پایان عبارت پیشین نسخه خطی نگاه کنیم (صفحه ۴۴ ا، سطر ۲)، چنین می‌خوانیم: فلذلک حکم الشیخ بار تفاع العدد (دنیا: التعدد) علی سبیل التجویز. آنگونه که در ویرایش دنیا می‌بینیم، در پی این عبارت آخری گفتاوردی از ابن سینا می‌آید که در واقع با واژه جسم پایان می‌گیرد و سپس ادامه می‌یابد: هذا هو الجسم الثانی... الخ. که در نسخه خطی ما در صفحه ۴۴ ا، سطر ۴ به بعد آمده است.<sup>۷</sup> سطرهایی که در نسخه خطی قلم خورده‌اند، اندکی پایین‌تر در همان صفحه ۴۴ ا، سطر ۱۷ و این بار به طور صحیح نقل شده‌اند.<sup>۸</sup>

۳. واژه‌هایی که در سطر ۱۸ برگ ۴۴ ا، قلم خورده‌اند هیچ تغییری در معنی واژه‌های پیشین طوسی پدید نمی‌آورند.

چیزی می‌گویند که من هیچ از آن سر در نمی‌آورم: «خط این دست‌نویس — در اصول آن (تأکید از من است) و نه در نوع آن [نسخ تحریری] — با خط‌هایی که از طوسی در دست داریم شباهت دارد». ۱ چیزی که من نمی‌فهمم این است که اصطلاح «اصول خط» دقیقاً یعنی چه و وجه تمایز این اصول با «نوع» خط کتابت (در اینجا نسخ تحریری) چیست. و در مقایسه نمونه‌های دست‌خط طوسی با خط نسخه، من بیش از همانندی، ناهمانندی می‌بینم. باری، می‌توان گفت که قلمت شواهد و قرائن به ما اجازه نمی‌دهد که یکی از این مدعیات را بر دیگری اختیار کنیم.

### ب. ۳. گواه‌های مشکوک

عمادی حائری برای اقناع آن دسته که هنوز دودلند که این نسخه را دست‌نوشته مؤلف بینگارند، گواه‌های ناستواری را فرا پیش می‌کشد:

ا. اغلاط و/یا افتادگی‌هایی که منطقی‌تر می‌توان آنها را به طوسی نسبت داد و عمادی حائری نمونه‌ای از آنها نیافته است.<sup>۲</sup> هر چند او مدعی است که فرصت محدودی برای مطالعه و بررسی نسخه در اختیار داشته است. حال اگر چه همین قدر کفایت می‌کند که بگوییم نبود چنین اغلاط و افتادگی‌هایی هم چیزی را اثبات نمی‌کند، من در حین واریسی نسخه، از قضا خیلی زود چنین غلطی را پیدا کردم: در برگ ۳۲ ا، سطر ۲۸ از چاپ عکسی ما می‌بینیم که در عبارت «هذه الاربعة» دو واژه میانی خط خورده است که به نظر می‌آید تکرار از سوی کاتب بوده که سپس اصلاح شده است.<sup>۳</sup>

ب. در حالی که عمادی حائری می‌پذیرد که نوشته‌ها و یادداشت‌های حاشیه به کسانی جز نویسنده متن است، باز خاطر نشان می‌سازد که برخی از یادداشت‌های حاشیه که همانند خط طوسی هستند، کوتاه‌ترند و بیش از هر چیز

۱. همان، ۲۴-۲۵. ۲. همان، ۲۵-۲۶. ۳. همان، ۲۶. ۴. همانجا، یادداشت ۱. ۵. سلیمان دنیا، الاشارات و التنبیها لابی علی بن سینا مع شرح نصیرالدین الطوسی، ج ۱. در مجموعه ذخایر العرب، ش ۲۲، قاهره، ۱۹۶۰. کسانی که با این چاپ کار نمی‌کنند می‌توانند مطلب را در بخش پایانی شرح طوسی در انتهای فصل ۳ از نهج ۹ بیابند. ۶. عمادی حائری، منبع پیشین، ۲۶، یادداشت ۱. وی به برگ ۴۴ ا ارجاع می‌دهد بی آنکه محل دقیق را مشخص کند. از آنجا که در این صفحه در سه نقطه واژه‌ها یا عبارت‌هایی خط‌خوردگی دارند، من درباره آنها در بندهای ۲ و ۳ و ۴ بحث خواهم کرد. ۷. دنیا، همان، ج. ۲ (چاپ دوم، قاهره، بی تا). ۱۶۰-۱۶۱، ۴ (هم در متن و هم در شرح). عبارت مورد نظر در نمط اول، فصل ۲ است در حالی که من فکر می‌کنم که § ۴ در همه چاپ‌ها یکسان باشد. ۸. برای این گفتاوردها و شرح آن، سطرهای ۱۷-۲۴ برگ ۴۴ ا، از نسخه خطی را مقایسه کنید با دنیا، همان، ج. ۲، ۱۶۱-۱۶۲، ۵ (هم در متن اصلی هم در شرح). مطابق با نمط اول، فصل ۲، ۵ از شرح (در اواخر این فصل) هم در متن اصلی و هم در شرح چاپ دنیا.

ذهن عمادی حائری خطور کرده است که طوسی در نامه‌ای به جمال‌الدین بحرینی (= جمال‌الدین علی بن سلیمان بحرینی، د. حدود ۶۷۰ هـ.ق.) خبر می‌دهد که «بر روی شرح خود از اشارات تصحیحاتی انجام داده و به‌زودی نسخه‌ای تازه فراهم خواهد آورد» و سپس نتیجه گرفته که طوسی بایست چنین نسخه‌ای را برای او فرستاده باشد.<sup>۷</sup> به این ترتیب نسخه حاضر می‌توانسته همان نسخه‌ای بوده باشد که طوسی بر روی آن کار کرده و به آن به‌طور غیرمستقیم اشاره داشته است. این احتمال اکنون بر پایه شواهد موجود باید کنار گذاشته شود. ملاحظه نیرویی که عمادی حائری صرف اثبات این نظریه (که این نسخه دست‌نوشته مؤلف است) کرده، شگفت‌آور است ولی حقیقت از این قرار است که از دید او دست‌کم یک مورد نوشته در حاشیه وجود دارد (ظاهراً به خط کاتب) که می‌تواند تمامی فرضیه را از میان ببرد.<sup>۸</sup> وقتی به برگ ۶۵ ب، حاشیه بالا، سمت چپ نگاه کنیم این عبارت دیده می‌شود: «من خطه دام‌ظله علی عدم الانغماز مواخذة لفظه. عبارت «علی عدم الانغماز مواخذة» در هیچ جای دیگر نسخه یافت نمی‌شود و در چاپ دنیا هم وجود ندارد.<sup>۹</sup> به نظر نمی‌آید که این عبارت به هیچ یک از جملات طوسی در شرح اشارات، اشاره داشته باشد. هرچند راست است که [فخر] رازی در شرح خود «عدم الانغماز» را یکی از صفات «صلابت» برمی‌شمارد.<sup>۱۰</sup> از شرح طوسی چنین برمی‌آید که برداشت او از موضوع چنین نیست. از دید او صلابت (سختی) به همراه لین (نرمی) یک قابلیت (کیفیت استعدادیه) است.<sup>۱۱</sup> به این ترتیب موضع طوسی مستلزم رد عدم الانغماز رازی است (زیرا که یک قابلیت نیست)، گرچه او از انتقاد رازی در این مورد خاص خودداری می‌کند. این می‌تواند علت آن باشد که یکی در حاشیه نسخه خود یادداشت کرده است: «علی عدم

انها تنها تلخیصی غیر ضروری از گفتاوردی از ابن‌سینا را نشان می‌دهند که تماماً در شرح مندرج اشارات چاپ دنیا آمده‌اند.<sup>۱</sup>

۴. واژه‌هایی که در سطر ۲۰ برگ ۴۴ خط خورده‌اند، نشان می‌دهند که این نسخه با نسخه دیگری مقابله شده و خوانشی را به دست می‌دهد که در چاپ دنیا هم دیده می‌شود و، به نظر من، به غلط بر نسخه اصلی که خوانش کاملتری دارد، ترجیح داده شده است.<sup>۲</sup>

۵. عمادی حائری سپس به سطرهای ۱۵-۱۷ برگ ۸۹ ب ارجاع می‌دهد.<sup>۳</sup> باید اقرار کنم که من هم علت خط‌خوردگی این سطرها را نمی‌فهمم؛ به‌ویژه که در چاپ دنیا هم به همین شکل‌اند.<sup>۴</sup> از آنجا که به نظر نمی‌آید حذف این بخش به اصلاح یا تکمیل متن بیانجامد بلکه در واقع چه بسا که از متن اصلی چیزی هم بکاهد، به زعم من طوسی خود دستی در آن نداشته است.<sup>۵</sup>

۶. متأسفانه برگ ۱۱۴ ب که عمادی حائری به آن هم ارجاع داده<sup>۶</sup> ناخواناست؛ موضوعی که هم‌اکنون بدان خواهیم پرداخت.

با آنکه یقین دارم نمونه‌های بسیار بیشتری هم می‌توان یافت، نمونه‌هایی که تا اینجا به دست داده شده حاوی هیچ‌گونه دستکاری تصحیحی که بتوان آن را منحصرأ به طوسی نسبت داد، نیستند. در واقع به نظر می‌آید که در همه این موارد، نقش طوسی در تغییرات متن بسیار اندک بوده است. به این ترتیب نمونه‌هایی که عمادی حائری به دست داده، به هیچ روی پشتیبان این نظریه او نیستند که این نسخه، دست‌نویسی است به خط طوسی که او به دست خود در آن اصلاحاتی انجام داده تا متن را پخته‌تر کند. چنین احتمالی از آنجا به

۱. قس: دنیا، همانجا.

۲. قطعه مورد اشاره را با چاپ دنیا مقایسه کنید: ج ۲، ۱۶۲، سطر ۵ شرح. مطابق با: نمط ۱، فصل ۲، ۵ از شرح متن اصلی در § ۵ بلندتر است.

۳. عمادی حائری، پیشین، ۲۶، یادداشت ش. ۱.

۴. مقایسه کنید با دنیا، همان، ج. ۳ (چاپ دوم، قاهره، بی تا)، ۳۷، سطرهای ۱۱-۱۶ متن. مطابق با: نمط ۴، فصل ۱۸، در نخستین بخش از شرح (بسیار بلند).

۵. این نیز امکان دارد که کسی پنداشته باشد که به موردی از جملات متحدالانتها (homoioteleuthon) برخورد است (عبارت قبلی و عبارت مورد بحث هر دو به واژه «محال» ختم می‌شوند که در آن، این «اشتباه»، «اصلاح» شده است.

۶. عمادی حائری، پیشین، ۲۶، یادداشت ۱.

۷. همان، ۲۱. برای یکی شمردن جمال‌الدین بحرینی با جمال‌الدین علی بن سلیمان بحرینی، نک: اجوبة المسائل النصيرية، به تصحیح عبدالله نورانی (تهران، ۱۳۸۳ ش.) ۲۲-۲۳.

۸. همان، ۲۶. ۹. نک: دنیا، همان، ج. ۲، ۳۰۷-۳۰۸.

۱۰. همان، ۳۰۸، سطرهای ۶-۷. شرح، که کیفیت استعدادیه را «ویزگی‌ای به شکل قابلیت» معنا کرده است. در باب مقوله «کیفیت» و ارتباط آن با «قابلیت» در فلسفه ارسطو (که ارجاع طوسی در اینجا به آن است)، نک: ارسطو، مقولات، ۸. چاپ متداول آن:

L. Minio Paluello, *Aristotelis Categoriae et Liber de interpretatione*. First edition: Oxford, 1949.

است که بارها تجدید چاپ شده است. چاپ متداول از ترجمه انگلیسی آن که آن نیز بارها تجدید چاپ شده این است:

J. L. Ackrill, *Aristotle's Categories and de Interpretatione*. Oxford, 1963.



گذشته‌ای دور صورت گرفته است<sup>۲</sup> - نتیجه تفنن و سهل انگاری صحاف و جلدساز باشد. برای نمونه، گوشه پایین سمت چپ صفحه ۱۲۱، با گوشه پایین سمت راست صفحه ۱۲۱، همخوانی ندارد. ضلع داخلی پایین صفحه ۱۰۴، با ضلع داخلی پایین صفحه ۱۰۴، نمی‌خواند. ضلع پایین سمت چپ صفحه ۹۶، با ضلع پایین سمت راست صفحه ۹۶، جفت نیست. اندازه صفحه ۳۶، با اندازه صفحه ۳۶، یکی نیست. و نمونه‌های بیشتری هم می‌توان یافت.

۳. همچنین دیدن صفحاتی که متن آنها از چارچوب به اطراف سریده‌اند شگفت‌زده‌ام کرد. نمونه‌ها: صفحه ۱۰۸، حاشیه بالا سمت راست؛ ۱۰۹، حاشیه پایین سمت چپ؛ ۱۱۲، حاشیه پایین سمت چپ؛ ۱۱۳، حاشیه چپ.
۴. و سرانجام اینکه، به دلایل نامعلومی صفحه‌های ۱۰۷ تا ۱۱۴ ناخواناست؛ شاید علت افتادن برگ‌ها بر روی یکدیگر باشد.

### نتیجه

اکنون وقت آن است که درباره چاپ عکسی حاضر به داوری بپردازیم. بی‌آنکه بخواهم وارد تفصیل بیشتری بشوم این دو پرسش را مطرح می‌کنم: (۱) آیا خواننده راقانع کرده است که نسخه به خط طوسی است؟ (۲) آیا نشر عکسی این نسخه به خودی خود وجهی دارد؟ متأسفانه به هر دو پرسش باید پاسخ منفی داد. گرچه این را نباید بر بی‌ارزشی نسخه عمل کرد. در مسیر مطالعات بیشتر این مسأله خود می‌تواند به جهاتی همچنان موضوع پژوهش باشد.<sup>۳</sup> تنها حرف من این است که با وجود شمار بسیار زیاد نسخه‌های حل مشکلات الانشارات در کتابخانه‌های سراسر جهان،<sup>۴</sup> چه دلیلی دارد که این نسخه بخصوص را سزاوار چاپ عکسی بدانیم؟

الانغماز» مواخذه. این شخص می‌تواند دانشمندی معتبر بوده باشد که نسخه شرح او اصل نسخه مورد بحث ماست و موجب شده است که کاتب از او با احترام یاد کند. از این رو من نتیجه می‌گیرم که این حاشیه نیز نظریه عمادی حائری را از اعتبار می‌اندازد. حال که چنین است باید دو سه کلمه‌ای هم در باره خود ویرایش بگوییم.

### ج. نشر چاپ عکسی

مبنای داوری درباره چاپ عکسی یک دست‌نویس قاعدتاً وضوح و شفافیت آن است. این البته بدان معنا نیست که همه متن باید به‌آسانی خوانده شود؛ مقصود این است که خواننده این‌گونه احساس کند که نسخه خطی وفادارانه تکثیر شده است. وقتی نسخه عکسی دست‌نویس مورد بحث این مقاله را بازبینی می‌کنم، نمی‌توانم بر این احساس غلبه کنم که کار بهتری می‌توانست انجام گیرد. بگذارید چند نمونه به دست دهم:

- اگر حاشیه‌های برگ‌های ۱۰۷ و ۱۰۸، و ۱۰۷ ب و ۱۰۸ ب، ملاحظه شوند، تکرارهایی به چشم می‌آیند که نایستی باشند. همچنین است در صفحه‌های ۱۰۹ و ۱۱۰، ۱۱۰ ب و ۱۱۰ ب، ۱۱۱ و ۱۱۲، و ۱۱۱ ب و ۱۱۲ ب. تکرارهای حاشیه بالای رویه‌های «ب» از برگ‌های ۱ تا ۱۸؛ ۵۵ ب تا ۶۳ ب و ۱۱۵ ب تا ۱۲۵ ب، در نگاه نخست از مقوله سهو به نظر می‌آیند اما در بررسی دقیق‌تر معلوم می‌شود که این موارد تکرار هستند اما اصیل نیستند، [بلکه] کتابداری قید «وقف» را بر روی شماری از برگ‌ها نقش کرده است؛ به همان شیوه‌ای که امروزه کتابخانه‌ها در مواضع گوناگون یک کتاب مهر خود را می‌زنند تا جلوی سرقت آن را بگیرند.<sup>۱</sup>
- نیز، نمی‌توانم این ذهنیت را از خود دور کنم که فرسودگی و رفتگی حاشیه صفحات - که به گفته عمادی حائری، در

۱. این توضیح را مروهون لطف سسیل بُن‌ماریاز (Cécile Bonmariage) هستم.

۲. عمادی حائری، پیشین، ۳۰.

۳. در دو ضمیمه مقدمه (۳۲-۳۸) به مقایسه دو بخش کوتاه از این نسخه با همان دو بخش در چاپ دنیا پرداخته و اختلافات و نکته‌ها را ضبط کرده است.

۴. گفته می‌شود که دست‌کم ۲۲۸ نسخه از این اثر باقی مانده است (عمادی حائری، پیشین، ۲۱، یادداشت ۶). گرچه برای من شگفت‌آور نیست اگر شمار این نسخه‌ها به ۳۰۰ نزدیک شود یا از آن نیز بگذرد.